

A Phenomenological Study: The Dual-Career Couples Narrative from the Children Dimension in Family Function

Rohollah Rahimi: PhD student of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. rohollah_rahimi@atu.ac.ir

Hossien Salimi Bajestani*: Associate professor of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. h.salimi.b@gmail.com

Kiumars Farahbakhsh: Associate professor of counseling, department of counseling, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. kiumars@yahoo.com

Mohammad Asgari: Associate professor of psychology, department of evaluating and measuring, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. drmasgari423@gmail.com

Abstract

Introduction: Family function has been changed by the couple's simultaneous employment and presents particular problems ahead of them. The children dimension is one of the dimensions that strongly influences the family function. The purpose of this study was to extract the lived experience of the dual-career couple from the influence of the children dimension on family functioning.

Methods: This research approach was qualitative interpretative phenomenological analysis and done in Nourabad, Lorestan. In this study, two groups of twelve dual-career couples with and without marital conflicts were selected by snowball sampling through purposeful sampling and interviewed for a period of four months (November to February 2018-2019). Interviews were analyzed using the Diekelmann, Allen, Tanner method, which is team-based and is common in interpretive phenomenology.

Results: The analysis of the data resulted in the identification of two main themes including healthy functioning (with sub-themes: positive functions for children, interactive parenting, and professional parenting) and unhealthy functioning (with sub-themes: negative functions for children, confrontational parenting, perilous parenting, and childbearing as a threat).

Conclusions: The findings of this qualitative study, identifying the positive and negative factors affecting the dimension of children in family functioning of working couples, can provide the basis for developing educational programs and packages to reduce the effects of parenting injuries on this lifestyle. It is suggested that the findings of this qualitative study be used by clinicians, counselors, and psychiatrists working with couples for prevention and education.

Keywords

Lived Experiences

Dual-Career Couples

Family Function

Children

*Corresponding Author
Study Type: Original
Received: 07 Dec 2019
Accepted: 31 Jul 2020

Please cite this article as follows:

Rahimi R, Salimi Bajestani H, Farahbakhsh K, and Asgari M. A phenomenological study: the dual-career couples narrative from the children dimension in family function. *Quarterly journal of social work*. 2019; 9 (2); 34-47

یک مطالعه پدیدارشناسانه: روایت زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده

روح اله رحیمی: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. rohollah_rahimi@atu.ac.ir
حسین سلیمی بجستانی*: دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. h.salimi.b@gmail.com
کیومرث فرحبخش: دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. kiiumars@yahoo.com
محمد عسگری: دانشیار گروه سنجش و اندازه‌گیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. drmasgari423@gmail.com

واژگان کلیدی

تجارب زیسته

زوج‌های شاغل

عملکرد خانواده

فرزندان

چکیده

مقدمه: عملکرد خانواده به‌وسیله اشتغال همزمان زوجین دستخوش تغییراتی شده مشکلات خاصی را برای آنان ایجاد می‌کند. از جمله ابعادی که عملکرد خانواده زوجین شاغل را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بعد فرزندان است. هدف پژوهش، استخراج تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده بود.

روش: این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی تفسیری در شهر نورآباد لرستان انجام شد. طی این مطالعه، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری گلوله برفی، دوازده زوج شاغل دارای رضایت زنانشویی و دوازده زوج شاغل دارای تعارضات زنانشویی را با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و طی بازه زمانی چهار ماهه از آبان ماه تا بهمن ماه ۱۳۹۷ مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها با استفاده از روش دیکلمن، آلن و تانر که دارای ماهیت تیمی و در پدیدارشناسی تفسیری مرسوم است، تحلیل شدند.

نتایج: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها منجر به شناسایی دو درون مایه اصلی شد که شامل -عملکرد سالم با درون مایه‌های فرعی: کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه و -عملکرد ناسالم با درون مایه‌های فرعی: کارکردهای منفی برای فرزندان، فرزند پروری تقابلی، فرزند پروری مخاطره‌آمیز و فرزندآوری به مثابه تهدید می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: یافته‌های حاصل از این پژوهش با شناسایی عوامل مثبت و منفی موثر بر بعد فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شاغل می‌تواند زمینه را برای تدوین برنامه‌ها و بسته‌های آموزشی جهت کاهش عوارض آسیب‌های فرزند پروری این نوع سبک زندگی مهیا کرد. پیشنهاد می‌شود یافته‌های این پژوهش کیفی توسط مددکاران اجتماعی، مشاوران و روانپزشکانی که با زوج‌های شاغل سر و کار دارند، جهت پیشگیری و آموزش مورد استفاده قرار گیرد.

* نویسنده مسئول

نوع مطالعه: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

روح اله رحیمی، حسین سلیمی بجستانی، کیومرث فرحبخش و محمد عسگری. یک مطالعه پدیدارشناسانه: روایت زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۹؛ ۹ (۲): ۳۴-۴۷

نحوه استناد به مقاله:

مقدمه

ظهور زوج‌های شاغل از مهمترین دگرگونی‌های اجتماعی در نهاد خانواده است. [۱ و ۲] از زمان مطالعات پیشگام راپاپورت و راپاپورت ۱۹۷۱-۱۹۶۹ پدیده زوج‌های شاغل، توجه قابل ملاحظه‌ای را در روانشناسی و جامعه‌شناسی به خود جلب کرده است. این پژوهشگران زوج شاغل را به عنوان نوع خاصی از خانواده‌های هر دو کارمند-کارگر تعریف کرده‌اند که در آن هر دو عضو، شغل حرفه‌ای را دنبال کرده و در عین حال به طور همزمان زندگی خانوادگی‌شان را حفظ می‌کنند. [۳] با هر تغییر و تحولی در جامعه، دامنه‌ای از مزایا و محدودیت‌ها نیز ایجاد می‌شود. به همین ترتیب اشتغال همزمان زن و شوهر در خارج از خانه، علاوه بر مزایای اقتصادی برای خانواده، می‌تواند فشار بیشتری را بر زوجین در زمینه عملکرد خانواده وارد کند. [۲] خانواده مانند هر سیستمی از عناصری تشکیل شده که در تعامل با یکدیگرند و کارکرد مجموعه این عناصر، عملکرد خانواده شناخته می‌شود. [۴] بافت خاص اقتصادی-اجتماعی زوج‌های شاغل، آن‌ها را با چالش‌های متفاوتی نسبت به سایر زوج‌ها مواجه می‌کند. اضطراب و بار اضافی نقش در این نوع زوجین، فشار و استرس ناشناخته‌ای را برای خانواده ایجاد کرده و عملکرد آن را تحت تاثیر قرار داده است. [۵] عملکرد خانواده در خانواده زوج‌های شاغل یکی از نشانگرهای رفاه اجتماعی است که به واسطه آن می‌توان شیوع اختلالات در روابط زوج و خانواده را بررسی کرد. [۶] در حالی که زوج‌های شاغل برای خانواده‌ها و جامعه، مزیت‌های بسیاری در بردارند، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که عملکرد خانواده این نوع زوج‌ها، به طور منفی تحت تاثیر قرار گرفته است. [۷ و ۸] یکی از ابعاد مهم در بررسی عملکرد خانواده این نوع زوجین، بعد فرزندان است. موضوع فرزندان چه فرزندان کنونی خانواده و چه تولد فرزندان جدید اغلب مشکلاتی را برای زوج‌های شاغل به وجود می‌آورد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند در سبک زندگی زوج شاغل مرحله‌ای وجود دارد که در آن تعادل بین مقتضیات کار و خانواده با مشکل مواجه می‌شود و آن مرحله، گفتگوی زوجی بر سر داشتن یا نداشتن فرزند است. [۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲] نگرانی زوج‌های شاغل در مورد فرزند، اغلب موجب می‌شود آن‌ها فرزندان را به دلیل شروع کار حرفه‌ای به بعد از سی سالگی موکول کنند. [۱۳] پژوهش‌ها نشان داده است که مراقبت از کودکان یکی از مهمترین زمینه‌های تعارض در بین زوج‌های شاغل است. [۱۴، ۱۵ و ۱۶] زوج‌های شاغلی که فرزند دارند به خصوص فرزندان کم ستر، تنش‌ها و تعارضات بیشتری را در زندگی زناشویی نشان می‌دهند. [۵ و ۱۷] برخی مطالعات بر اثرات منفی سبک زندگی زوج شاغل بر فرزندان تاکید کرده‌اند. این مطالعات بیشتر بر نقش زنان شاغل متمرکز شده و ضمن مقایسه مادران شاغل و غیرشاغل، به کارکردهای منفی حضور نداشتن والدین در خانه، مثل کمبود روابط اجتماعی، محدودیت وقت رسیدگی به امور فرزندان، مشکلات تحصیلی، تنها ماندن فرزندان در خانه و مشکلات رفتاری آنان اشاره کرده‌اند. [۱۸، ۱۹ و ۲۰] مطالعات دیگری از آثار منفی اشتغال مادر بر وضعیت روان‌شناختی فراتر رفته‌اند. از آنجایی که مادران شاغل زمان کمتری برای نظارت بر فعالیت‌های روزانه فرزندان خود دارند، فرزندان آن‌ها بیش از کودکان مادران خانه دار از تلویزیون استفاده می‌کنند [۲۱] و دارای تمرکز کمتر بوده و از غذاهای فست فودی که سریعتر آماده می‌شوند، بیشتر استفاده می‌کنند، در نتیجه درصد بالاتری از آنان نسبت به فرزندان مادران خانه‌دار از وزن اضافی و در نتیجه مشکلات ارتباطی با دیگران و عزت نفس پایینتر برخوردارند. [۲۲] فرزندان این نوع خانواده‌ها به علت فشارهایی که والدین شاغل با آن مواجه می‌شوند، از خانواده گسترده و شبکه خویشاوندیشان بیگانه می‌شوند. [۲۳] پیچیدگی‌های مرتبط با فرزندان می‌تواند میزان تعارضات زناشویی و در نهایت طلاق را در میان زوج‌های شاغل افزایش دهد. [۲۴] البته گاهی پژوهش‌ها [۱۹، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱] نه تنها این پیامدهای منفی را به دست نیاورده‌اند، بلکه پیامدهای مثبت متعددی از اشتغال همزمان زوج برای فرزندان از جمله تسریع مستقل شدن فرزندان، تقویت مسوولیت‌پذیری و اعتماد به نفس، بهبود سازگاری اجتماعی و روابط بین فردی و استفاده از مزایای مالی اشتغال والدین را نسبت به عدم اشتغال گزارش کرده‌اند. متخصصان در پی آن هستند که به زوجین شاغل کمک کنند تا با چالش‌های زندگی‌شان کنار آمده به گونه‌ای که بتوانند از جنبه‌های مثبت این نوع سبک زندگی لذت ببرند. [۳] زوج‌های شاغل برای دستیابی به سویه مثبت در ارتباط با فرزندان، نیازمند برنامه‌ریزی مناسب هستند. [۹] برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی زوج‌های شاغل برای هماهنگی در سبک فرزند پروری، استفاده از مراقب جایگزین، حمایت اطرافیان، مراقبت کیفی و مدیریت زمان می‌تواند زمینه را برای فرزند پروری مناسب در این نوع سبک زندگی تسهیل کند. [۱۹، ۳۲ و ۳۳] از طرف دیگر نداشتن برنامه‌ریزی و فقدان اولویت‌بندی زوجی از جمله استراتژی‌های ناهماهنگ و متناقض در فرزند پروری، کاهش حمایت‌های محیطی، اضطراب

والدین و عدم مدیریت زمان می تواند ضمن ایجاد و تشدید تعارضات میان زوج شاغل، فرزندان را با خطرات جدی و پیامدهای منفی مواجه کند. [۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷] بررسی پژوهش های پیشین پیرامون این موضوع نشان داد که تا کنون در ایران پژوهش

کیفی خاصی برای بررسی تجارب زیسته زوج های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده انجام نشده است. از این رو مطالعه حاضر درصدد است با توجه به پیامدهای عملکرد خانواده در بعد فرزندان بر جنبه های مختلف زندگی شخصی، خانوادگی و شغلی، ضمن پرداختن به این خلا پژوهشی، تجارب زیسته زوج های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده را مورد بررسی قرار دهد.

روش

از آنجا که هدف اصلی این مطالعه، بررسی کیفی بعد فرزندان در عملکرد خانواده از نقطه نظر تجارب زیسته زوج های شاغل بود، از روش پدیدارشناسی تفسیری استفاده شد. جامعه مورد مطالعه این پژوهش زوج های شاغل دارای رضایت و زوج های شاغل متعارض شهر نورآباد (لرستان) در سال ۱۳۹۷ بود (دلیل انتخاب شهر مذکور برای اجرای پژوهش، فراوانی و تنوع زوج های شاغل و دسترسی مناسب تر تیم پژوهشی به شرکت کنندگان بود). در این بخش از مطالعه از راهبرد نمونه گیری هدفمند و روش گلوله برفی جهت انتخاب نمونه ها استفاده شد. با روش نمونه گیری گلوله برفی، اولین زوج شاغل دارای رضایت زناشویی به طور هدفمند و با استفاده از اذعان خود زوج به رضایت زناشویی و پرسشنامه رضامندی زناشویی انریچ (فرم کوتاه ۴۷ سوالی)، انتخاب شد سپس از آن زوج خواسته شد که زوج دیگری را که دارای ملاک های این پژوهش و مایل به همکاری باشند، معرفی کنند. این روند تا دستیابی به تعداد زوج های مورد نظر، جهت اشباع مقوله های قابل شناسایی، ادامه پیدا کرد. جامعه مورد مطالعه زوج های متعارض شاغل نیز کلیه زوج های شاغل دارای تعارض زناشویی بود که در بازه زمانی چهار ماهه (آبان ماه تا بهمن ماه ۱۳۹۷) به کلینیک مشاوره خانواده افق (شهر نورآباد) مراجعه می کردند. نمونه گیری در زوج های شاغل متعارض نیز به صورت هدفمند و در دسترس انجام گرفت. مشخصات اولیه زوج های شاغل دارای رضایت و تعارضات زناشویی در جداول ۱ و ۲ آمده است.

ملاک های ورود و خروج

ملاک های ورود در گروه زوج های شاغل دارای رضایت زناشویی: ازدواج با دوام بیش از پنج سال. داشتن حداقل یک فرزند. یک بار ازدواج کرده و به فهم ماهیت و معنای تجربه خویش علاقه مند بوده و ضمن اذعان خود به برخورداری از رضایت زناشویی، کسب نمره بالاتر از صد و شصت و یک در پرسشنامه انریچ-فرم چهل و هفت سوالی که نشانگر رضایت زناشویی زیاد و فوق العاده است، حداقل مدرک تحصیلی دیپلم، حداقل سی سال سن. داشتن کار تمام وقت.

ملاک های ورود به پژوهش برای زوج های شاغل دارای تعارض زناشویی: علاوه بر تشخیص تعارضات زناشویی یعنی نمره خام صد و هشتاد و هفت و بالاتر در پرسشنامه تعارضات زناشویی که نشان دهنده تعارض شدید و یا روابط بسیار آسیب پذیر است. بعلاوه همان ملاک های زوجین دارای رضایت بود.

ملاک های خروج: داشتن اختلالات روان شناختی بر اساس تشخیص اولیه پژوهشگران و تشخیص دقیق روانشناس بالینی. بیماری های جسمانی شدید مغل در جلسات مصاحبه بنا به اظهار شرکت کنندگان.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی الزامی در این مطالعه شامل کسب رضایت آگاهانه از زوج های شاغل و اخذ رضایت نامه کتبی، رازداری به صورت استفاده از نام مستعار مانند زوج شماره یک، دو، و ... در تمام

جدول (۱) مشخصات اولیه زوج های شاغل دارای رضایت زناشویی

کد زوج	جنسیت	سن	طول زندگی زناشویی	شغل	تحصیلات	تعداد فرزند
۱	زن	۴۲	۱۸ سال	حسابدار بانک	لیسانس	۳
	مرد	۴۶	سال	آموزگار	لیسانس	
۲	زن	۳۷	۱۲ سال	تکنسین اتاق عمل	لیسانس	۲
	مرد	۴۳	سال	مهندس بهداشت محیط	لیسانس	
۳	زن	۴۰	۶ سال	آموزگار	لیسانس	۱
	مرد	۴۰	سال	مدیر مدرسه	فوق لیسانس	
۴	زن	۳۹	۸ سال	دبیر تربیت بدنی	فوق لیسانس	۲
	مرد	۳۳	سال	دبیر ریاضی	فوق لیسانس	
۵	زن	۳۶	۱۹ سال	آرایشگر	لیسانس	۲
	مرد	۴۵	سال	کارمند اورژانس اجتماعی	فوق دیپلم	
۶	زن	۴۱	۹ سال	پزشک عمومی	دکتری	۳
	مرد	۳۶	سال	دبیر کامپیوتر	لیسانس	
۷	زن	۴۱	۱۳ سال	آموزگار	فوق دیپلم	۲
	مرد	۴۲	سال	آموزگار	لیسانس	
۸	زن	۴۱	۱۵ سال	مدیر مدرسه غیرانتفاعی	لیسانس	۲
	مرد	۴۴	سال	هیأت علمی دانشگاه	دکتری	
۹	زن	۳۵	۱۰ سال	آموزگار	فوق لیسانس	۱
	مرد	۳۷	سال	آموزگار	فوق لیسانس	
۱۰	زن	۳۲	۵ سال	تکنسین آزمایشگاه	لیسانس	۱
	مرد	۳۸	سال	متصدی امور تسهیلات بانک	فوق لیسانس	
۱۱	زن	۴۹	۳۴ سال	انباردار مدرسه	فوق دیپلم	۲
	مرد	۵۴	سال	کارگر کارخانه ایزوگام سازی	دیپلم	
۱۲	زن	۴۵	۳۲ سال	مدیر آموزشگاه رانندگی	فوق دیپلم	۴
	مرد	۵۲	سال	جواهر فروش	دیپلم	

جدول (۲) مشخصات اولیه زوج‌های شاغل دارای تعارضات زناشویی

کد زوج	جنسیت	سن	طول زندگی زناشویی	شغل	تحصیلات	تعداد فرزند
۱	زن	۴۱	۲۰ سال	کارمند شهرداری	فوق لیسانس	۳
	مرد	۴۸	سال	کارمند اداره برق	لیسانس	
۲	زن	۳۳	۱۰ سال	آموزگار	لیسانس	۱
	مرد	۳۹	سال	کارمند کمیته امداد	لیسانس	
۳	زن	۳۱	۶ سال	طبله، معلم	تحصیلات حوزوی	۱
	مرد	۳۶	سال	متصدی بنگاه معاملات ملکی	فوق دیپلم	
۴	زن	۳۸	۱۲ سال	پرستار	لیسانس	۲
	مرد	۴۲	سال	کارمند پتروشیمی	لیسانس	
۵	زن	۳۴	۱۱ سال	فروشنده بوتیک زنانه	دیپلم	۲
	مرد	۳۷	سال	نگهبان شیفتی	دیپلم	
۶	زن	۲۹	۹ سال	تحویلدار بانک	لیسانس	۲
	مرد	۳۵	سال	متصدی نمایشگاه اتومبیل	دیپلم	
۷	زن	۴۲	۲۱ سال	خیاط زنانه	دیپلم	۴
	مرد	۴۹	سال	تعمیرکار اتومبیل	فوق دیپلم	
۸	زن	۳۸	۱۲ سال	کارمند اداره بهزیستی	لیسانس	۲
	مرد	۴۴	سال	آموزگار	لیسانس	
۹	زن	۴۰	۱۹ سال	دبیر عربی	لیسانس	۲
	مرد	۴۷	سال	نظامی	دیپلم	
۱۰	زن	۳۳	۸ سال	کارمند نمایندگی بیمه	لیسانس	۱
	مرد	۳۹	سال	کارمند تدارکات اداره دولتی	فوق لیسانس	
۱۱	زن	۲۸	۷ سال	بهیار	فوق دیپلم	۲
	مرد	۳۷	سال	بهیار	فوق دیپلم	
۱۲	زن	۳۳	۹ سال	پرستار	لیسانس	۱
	مرد	۳۵	سال	پرستار	لیسانس	

نهایی، به اعضای تیم پژوهشی و افراد صاحب نظر در زمینه پژوهش‌های پدیدارشناختی ارایه می‌شد. در هر مرحله، ضمن پیشرفت کار، با ادغام خلاصه‌های تفسیری، تحلیل ترکیبی و کلی‌تر شکل می‌گرفت تا درون مایه‌های حاصله، به بهترین نحو ممکن با هم ارتباط یابند. برای عملیات ذکر شده، از نرم افزار MAXQDA12 نیز استفاده شد. به‌منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهشی از چهار شاخص اعتبار گويا و لینکلن [۴۱] قابلیت اعتبار، قابلیت تصدیق، قابلیت اطمینان و کفایت و قابلیت تعمیم و انتقال استفاده شد. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها پس از تحلیل هر مصاحبه، متن مصاحبه دوباره به زوج شرکت‌کننده در پژوهش داده می‌شد تا صحت و سقم مطالب را تایید و در صورت لزوم اصلاحات لازم اعمال گردد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی شد تیم پژوهشی پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری داده‌ها دخالت نداده تا ضمن لحاظ شدن دانش و دیدگاه‌های

طول پژوهش و حق انصراف برای شرکت‌کنندگان بود. کد اخلاق پژوهش به شناسه IR.LUMS.REC.1398.073 می‌باشد. **روش اجرای پژوهش:** در این مطالعه برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه‌ها در یک بازه زمانی چهار ماهه از آبان ماه تا بهمن ماه ۱۳۹۷ جمع‌آوری و تحلیل شدند. در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته که زوجین شرکت می‌کنند و به سوالات باز پاسخ می‌دهند، مصاحبه دوتایی یا مشترک گفته می‌شود. [۳۸] مصاحبه‌های زوجی در اتاق مشاور کلینیک مشاوره خانواده افق در دامنه زمانی چهل و هفت تا هفتاد و پنج دقیقه، متناسب با خلق، آستانه تحمل و علاقه شرکت‌کنندگان انجام شد. اعضای تیم پژوهشی در تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تدوین گزارش پژوهشی نقش داشتند. به‌منظور دسترسی به ادراک و تجارب زیسته مصاحبه‌شوندگان، در تدوین سوالات مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته زوجی، از رویکرد سه‌گانه به مصاحبه پدیدارشناسی [۳۹] استفاده شد؛ که در این نوع مصاحبه شرکت‌کنندگان می‌توانند تجارب خود را بازسازی کنند و آن را در زمینه زندگی خود قرار داده و معنای آن را بازتاب دهند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، از روش دیکلمن، آلن و تانر [۴۰] استفاده شد که دارای ماهیت تیمی بوده و در پدیدارشناسی تفسیری مرسوم است. بر مبنای این روش تحلیل، برای رسیدن به هدف، هفت مرحله طی شد. در مرحله اول پس از پایان هر مصاحبه و ثبت مشاهدات و یادداشت‌برداری‌های میدانی، به‌منظور دستیابی به یک ایده کلی، مصاحبه‌ها مکرراً شنیده می‌شد و روی کاغذ ثبت می‌گردید و چندین بار مرور می‌شد. در مرحله دوم، برای کشف موضوعات بالقوه، آنچه که دیده و شنیده شده بود به‌صورت "خلاصه تفسیری" تدوین می‌شد. در این مرحله عبارات مهم مشخص شد و معانی نهفته در آن درک و استخراج گردید. این معانی صرفاً همان بیان ساده شرکت‌کنندگان نبود، بلکه فضای مصاحبه و چگونگی پاسخ زوج به سوالات را نیز شامل می‌شد. در مرحله سوم متون نوشتاری و محتوای مصاحبه‌ها به‌صورت تیمی مورد بحث و تبادل نظر و تحلیل قرار می‌گرفت تا ضمن رسیدن به یک درک مشترک، درون مایه‌های اصلی استخراج شوند. در مرحله چهارم، بعد از استخراج درون مایه‌ها، مفاهیم استخراج شده به‌دقت مورد مطالعه قرار می‌گرفت و ضمن روشن‌سازی و طبقه‌بندی داده‌ها، یک تحلیل کلی و ترکیبی از هر متن یا مصاحبه ارایه می‌شد. در مرحله پنجم، متون مصاحبه‌ها به‌منظور شناسایی، تعیین و توصیف معانی مشترک و عملکردها مقایسه می‌شدند. مرحله ششم با شناسایی و استخراج الگوهای بنیادین که ارتباط درون مایه‌ها را برقرار می‌کرد، دنبال شد. در مرحله پایانی به‌منظور تبیین، روشن‌سازی و طبقه‌بندی و رفع هر گونه عدم توافق و تناقضات موجود در تفسیرها، نسخه‌ای پیش‌نویس از درون مایه‌ها جهت اعتباربخشی و نگارش نسخه

تیم پژوهشی، تجارب زیسته زوج‌های شاغل شرکت‌کننده در پژوهش نیز معرفی و بازنمایی شود. برای تضمین قابلیت اطمینان و کفایت نیز از نظرات اساتید زوج درمانی و مشاوره خانواده استفاده شد. به همین منظور متون مربوط به مصاحبه‌ها جهت بررسی دقیق‌تر و کدگذاری به صاحب‌نظران و یک متخصص

پژوهش کیفی نیز داده شد. از فرد متخصص مذکور درخواست شد، او نیز کدگذاری داده‌ها را در نرم افزار MAXQDA12 انجام دهد. میزان توافق کدگذاران که هر دو از نرم افزار مذکور استفاده کردند، مناسب تشخیص داده شد. که نشان دهنده اطمینان و کفایت داده‌ها بود. (هشتاد درصد) همچنین جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال داده‌ها به سایر موقعیت‌ها، تا حد امکان از زوج‌های شاغل در مشاغل و موقعیت‌های گوناگون با حداکثر تنوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بهره گرفته شد.

یافته‌ها

پس از تحلیل محتوی مصاحبه‌های انجام گرفته با دوازده زوج شاغل دارای رضایت زناشویی و دوازده زوج شاغل دارای تعارضات زناشویی و بعد از کدگذاری و دسته‌بندی مفاهیم اولیه، دو درون مایه اصلی و هفت درون مایه فرعی از تجارب زیسته آنان در بعد فرزندان در عملکرد خانواده استخراج شد. **درون مایه اصلی اول عملکرد سالم:** درون مایه اصلی به‌دست آمده از تحلیل بیانات زوج‌های شاغل دارای رضایت زناشویی، عملکرد سالم بود. خانواده دارای عملکرد سالم، خانواده کامل و بی‌عیب نیست ولی ضمن توجه به تأثیرات مثبت اشتغال همزمان بر فرزندان، مشکلات و تعارضات زوجی مرتبط با فرزندان را به‌طور موثری مدیریت می‌کند به گونه‌ای که تأثیر مثبتی بر عملکرد خانواده دارد. فرایند تحلیل داده‌ها در این درون مایه اصلی، منجر به شناسایی سه درون مایه فرعی شد که شامل کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه می‌باشد. بیانات مرتبط با این درون مایه اصلی در مجموع، سی و هشت و سی و هشت صدم درصد از کل بیانات مرتبط با بعد فرزندان در عملکرد خانواده را در بر می‌گیرد.

درون مایه فرعی شماره یک کارکردهای مثبت برای فرزندان: زوجین شاغل دارای رضایت زناشویی در اولین درون مایه فرعی استخراج شده بر تأثیرات مثبت اشتغال همزمان خود و همسرشان بر فرزندان تأکید کردند. نمونه‌ای از این کارکردهای مثبت در گفته‌های زوجین دارای رضایت آمده است. **ارتقای مسوولیت‌پذیری:** زوج شماره پنج، مرد شاغل می‌گوید "بچه‌ها خیلی کمک می‌کنن، خصوصاً از وقتی که بزرگتر شدن کارهای شخصیشونو انجام می‌دن حتی توی کارهای خونه هم بهمون کمک می‌کنن... پسر کوچیکم تا من از آرایشگاه می‌ام سریع می‌ره سراغ کارهای خونه... به‌نظرم برای اینکه تا مادر بیاد وقت بیشتری برامون بذاره، بیشتر باهامون حرف بزنه... با اون زبون کودکانه‌اش می‌گه مادر اگه مشغول کار بشه نمی‌تونیم بریم شهر بازی، مهمونی..." **ارتقای اعتماد به نفس:** زوج شماره هشت، مرد شاغل می‌گوید "یکی از جنبه‌های مثبتش اینه که توی زندگی زوج‌های شاغل همیشه تو یه تایم‌هایی نقش‌هایی به بچه‌ها واگذار می‌شه مثلاً انجام کارهای شخصیشون یا مراقبت و خرید و اینجور کارها که باعث می‌شه واسه حل مشکلاتشون پیشقدم بشن و همینم اعتماد به نفس بچه‌ها رو میره بالا... اینجوری بچه‌ها تو حل مشکل

جدول (۳) درون مایه‌های اصلی و فرعی به‌دست آمده از تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بُعد فرزندان در عملکرد خانواده		
درون مایه اصلی (فروانی)	درون مایه فرعی (فروانی)	مفاهیم اولیه
عملکرد سالم (۷۱)	کارکردهای مثبت برای فرزندان (۳۱)	۴ استقلال (خودمختاری)
		۷ ارتقای مسوولیت‌پذیری
		۴ ارتقای اعتماد به نفس
		۲ تحریک برای تلاش بیشتر
		۳ بهبود روحیه همکاری
		۵ بهبود روابط اجتماعی
	فرزند پروری تعاملی (۱۴)	۶ ارضای نیازهای مالی کنونی و آتی
		۴ مشارکت زوجی در امور فرزندان
		۴ هماهنگی زوجی در رفع تناقض‌های تربیتی
		۳ توافق زوجی بر سبک‌های فرزند پروری
		۳ تقسیم وظایف مرتبط با فرزند پروری
		۴ بهره‌گیری از پرستار مراقب
عملکرد نامسالم (۱۱۴)	فرزند پروری ماهرانه (۲۶)	۴ بهره‌گیری از حمایت خانواده‌های اصلی
		۴ مراقبت کیفی به جای مراقبت کمی
		۷ اختصاص زمان برای فرزندان
		۲ برنامه‌ریزی و نشست برای ارتباط با فرزندان
		۲ مقابله مؤثر با احساس گناه مادرانه
		۳ نظارت بر فرزندان از محل کار
	کاردهای منفی برای فرزندان (۵۳)	۶ کمبود مهارت‌های اجتماعی
		۳ محدودیت زمانی برای فرزندان
		۷ آسیب‌های جسمانی
		۴ آسیب‌های روانشناختی
		۸ آسیب‌های اجتماعی
		۳ مشکلات تحصیلی
فرزند پروری	فرزند پروری تقابلی (۲۱)	۶ تنها بودن فرزندان در خانه (فرزندان کلیدار)
		۵ تغذیه نامناسب
		۳ محدودیت دسترسی به الگوی جنسیتی مناسب
		۲ سوء استفاده (باج گیری) از والدین
		۲ بار فشار امور خانه بر دوش فرزندان
		۴ فقدان مشارکت زوجی در امور فرزندان
	فرزند پروری مخاطره‌آمیز (۲۷)	۵ تناقض‌های تربیتی
		۶ تعارض زوجی بر سبک‌های تربیتی
		۲ فاصله گیری فیزیکی- عاطفی از فرزندان
		۲ مثلث سازی با فرزندان با توجه به شرایط شغلی
		۲ زندگی شغلی و خانه‌های تک والدی
		۶ کاهش حمایت برای مراقبت از فرزندان
فرزندآوری به مثابه تهدید (۱۳)	فرزند پروری	۷ استرس‌های والدگری (نگرانی در محل کار برای فرزندان)
		۷ محدودیت زمان برای فرزندان
		۲ کاهش آستانه تحمل والدین در مقابل خطاها
		۷ احساس گناه مادران شاغل
		۳ مراقبت افراطی از فرزندان (جبران)
		۲ فرزندان در محیط کاری والدین

و حتی بحث‌های مالی احساس اعتماد به نفس بیشتری می‌کنن...“ ارضای نیازهای مالی کنونی و آتی: زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید “چون هر دو تاملون کار می‌کنیم از نظر مالی واسه بچه‌ها یه مزیتیه... می‌تونیم الان خواسته‌های مالی بچه‌ها رو برآورده کنیم، یه پشتوانه مالی واسه آینده شونم هست. ما می‌تونیم نسبت به خانواده‌های سنتی تک شاغه برای بچه‌هامون بیشتر پس‌انداز کنیم تا اگه یه زمانی بخوان شغل آزاد انتخاب کنن کمتر محدودیت مالی داشته باشن.

درون مایه فرعی شماره دو فرزند پروری تعاملی: تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با والدین شاغل دارای رضایت نشان داد، اگرچه آن‌ها زمان کمتری را با فرزندان خود می‌گذارند ولی با تکیه بر تعامل متقابل در شیوه‌های فرزند پروری می‌توانند این نقص را جبران کنند. مشارکت زوجی در امور فرزندان: زوج شماره سه، مرد شاغل می‌گوید “ساعت دوازده و نیم ظهر خانم می‌ره مدرسه، تا ساعت پنج و نیم عصر برنمی‌گرده من از بچه مراقبت می‌کنم، توی این فاصله تغذیه بچه، نظافتش، همه کاراش با منه، صبح‌هام همسرم این کارها رو انجام می‌ده.” هماهنگی زوجی در رفع تناقض‌های تربیتی: زوج شماره هشت، مرد شاغل می‌گوید “یکی از تعارض‌های ما روی بحث تربیت بچه‌ها بود چون ما هر دومون شاغلیم به ناچار بچه اولمون باید یه تایمی رو پیش مادر بزرگ می‌گذرونه... ایشون مادر همسرم سبک تربیتی خاص خودشو داشت؛ حمایت‌های بیشتری از شون می‌کرد، مثلاً پول توجیبی بیشتر یا تغذیه کنترل نشده... این موضوع توی روابط من و همسرم چالش درست کرد که اگه جریان تربیت بچه به همین روال ادامه داشته باشه بچه دیگه حرف ما رو نمی‌خونه... بالاخره نشستیم با هم گفتگو کردیم که چطور مشکلو حل کنیم. البته از تجربه همکاران هر دو شاغلم استفاده کردیم بچه رو بردیم مهد کودک... الان خدا رو شکر پسر اولمون با یه سبک تربیتی مطلوب بزرگ شده...”

درون مایه فرعی شماره سه فرزند پروری ماهرانه: در این درون مایه فرعی، زوجین شاغل دارای رضایت، مهارت‌های فرزند پروری را روایت کردند که حاکی از دانش و تجربه زوجی بودند. بهره‌گیری از پرستار مراقب: زوج شماره دو، زن شاغل می‌گوید “بچه اولمون که کوچیک بود هر روز صبح ساعت هفت می‌بردمش خونه مامانم که کلی هم با خونه خودمون فاصله داشت... تو زمستون و یخبندون کلی دردسر داشتم، خواب بچه نامنظم شده بود، رفت و آمد کلافه‌مون کرده بود... حالا دیگه واسه دوتا شون پرستار گرفتم، اینجوری خواب بچه‌ها آسیب نمیبینه، می‌تونن تا هر ساعتی بخوان بخوابن، خودمم صبح‌ها دیرتر می‌رم بیرون...” مراقبت کیفی به جای مراقبت کمی: زوج شماره ده، زن شاغل می‌گوید “خب این واقعیه که ما نمی‌تونیم همه طول روز کنار بچه‌مون باشیم ولی اون ساعت‌هایی که پیش بچه‌ایم و زمان برایش می‌ذاریم فقط مال بچه‌ست مثلاً وقتی کتاب قصه براش می‌خونم این زمان فقط مال اونه، تو اون وقت کار دیگه‌ای نمی‌کنم... تقریباً هر روز عصرها می‌برمش پارک تا بازی کنه، خودمم باهاش بازی می‌کنم هم خودم لذت می‌برم هم دخترم... دنبال این نیستم نبودنمو جبران کنم ترجیح می‌دم وقت کمتری پیشش باشم ولی تو اون وقت همه تمرکز رو بچه‌ام باشه و اسش شوق و ذوق کنم...” مقابله موثر با احساس گناه مادرانه: زوج شماره ده، زن شاغل می‌گوید “مرخصی زایمانم تموم شد خیلی احساس گناه می‌کردم، تا یه مدتی حتی از خودم، کارم، شاغل بودنم بدم می‌یومد... البته حرفای دیگرانم که مثلاً بچه‌تو چی کار می‌کنی، چه جوری دلت میاد تنه‌اش بذاری این عذاب وجدانه رو بیشتر می‌کرد... وقتی گذاشتمش یه مهد خوب و توی خونه‌ام حسابی واسش زمان می‌ذاشتم احساس گناه کم‌تر شد. شوهرمم خیلی کمکم کرد، می‌گفت تو که واسه دخترمون کم نداشتی، تازه خیلی از خانمای خونه‌دار هم بچه‌شونو می‌ذارن مهد.” نظارت بر فرزندان از محل کار: زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید “بانک خیلی شلوغه ولی وقتی شوهرم خونه نیست و بچه‌ها توی خانه تنهان، هم دلواپس می‌شم هم دلم می‌خواد بچه‌ها بفهمن یه کنترلی روشن هست... تلفنی یا با واتساپ تصویری باهاشون حرف می‌زنم که خیالم راحت بشه.”

درون مایه اصلی دوم عملکرد ناسالم: درون مایه اصلی شناسایی شده از تحلیل مصاحبه‌های زوجین شاغل دارای تعارضات زناشویی، عملکرد ناسالم بود. فرایند تحلیل داده‌های مرتبط با این درون مایه اصلی، منجر به شناسایی چهار درون مایه فرعی شد. اظهارات مرتبط با این درون مایه در مجموع، شصت و یک و شصت و دو صدم درصد از کل اظهارات مربوط به بعد فرزندان را در عملکرد خانواده تشکیل می‌دهد.

درون مایه فرعی شماره یک کارکردهای منفی برای فرزندان: برخلاف زوجین شاغل دارای رضایت، اظهارات زوجین شاغل متعارض حاکی از کارکردهای منفی اشتغال همزمان زوج برای فرزندان بود. کمبود مهارت‌های اجتماعی: زوج شماره سه، مرد شاغل می‌گوید “هر دو شاغل بودن روی بچه‌ها تاثیر منفی می‌ذاره چون بچه تا غروب توی خونه

می‌مونه، به خصوص بچه تک‌فرزند... اینجوری بچه خجالتی بار می‌یاد، روابط اجتماعی تحت تاثیر قرار می‌گیره. فرصت و وقت کافیم برای بازی با همسالاش نداره چون بیشتر وقتش توی خونه‌ست..."

آسیب‌های اجتماعی: زوج شماره هفت، زن شاغل می‌گوید "الان مشکلات پسر بزرگم بیشتر شده، این گوشی‌های هوشمند ما رو بیشتر می‌ترسونه... تو گوشیش فیلم‌های پورنو دیدم، لباسش بوی سیگار می‌ده، معلوم نیست ما خونه نیستیم چی کار می‌کنه"

آسیب‌های روان‌شناختی: زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید "وقتی بچه‌های خودم و همکارهامو مقایسه می‌کنم با بچه‌های مادرهای خانه‌دار مثلا بچه‌های خواهرم یا بقیه می‌بینم بچه‌های اونا چقدر آروم‌ترن ولی ما که شاغلیم از همون موقع بارداری انقد تو محیط کاری و خونه استرس و فشار کاری داریم که بچه‌هامون بیقراری و پرخاشگریشون خیلی بیشتر از اوناست..."

محدودیت زمان برای فرزندان: زوج شماره یک، زن شاغل می‌گوید "بزرگترین ضرر این نوع زندگی واسه بچه‌هاست از نظر زمان کمی که براشون می‌ذاری مثلا من خیلی کم می‌تونم تو مراسمای آموزشی مدرسه بچه‌ها شرکت کنم... وقتیم برمی‌گردم خونه، خستگی و کارهای خونه زمانی نمی‌ذاره واسه بچه‌ها به خصوص اگه شوهرتم اهل کمک کردن نباشه..."

تنها بودن فرزندان در خانه-فرزندان کلیددار: زوج شماره یک، مرد شاغل می‌گوید "درست مثل بچه‌های کلیددار شدن وقتی هر دو تامون سرکاریم برمی‌گردن خونه، بالاسرشون که نیستی اصلا خبر نداری اومدن خونه، نیومدن... خطرناکه، دلم شور میزنه معلوم نیست چی کار می‌کنن غذاشون چی می‌شه..."

تغذیه نامناسب: زوج شماره چهار، مرد شاغل می‌گوید "غذامون تنوع نداره، همش شده این غذاها، حاضری و فست فودی... گوارش

بچه‌ها با این غذاها نابود شده." محدودیت دسترسی به الگوی جنسیتی مناسب: زوج شماره نه، زن شاغل می‌گوید "پدر که خونه نباشه الگوی پسر کی باید باشه؟ اینا ماهی یکی دو بار، اونم چند روز پدرشونو می‌بینن یه پدر سرد و نجوش... من که نمی‌تونم هم مادر باشم هم پدر"

درون مایه فرعی شماره دو فرزند پروری تقابلی: مشارکت ناچیز، تعارضات و تقابل‌های مکرر زوجین متعارض در شیوه‌های فرزند پروری و امور مرتبط با فرزندان، محتوی این درون مایه فرعی را تشکیل می‌دهند.

فقدان مشارکت زوجی در امور فرزندان: زوج شماره هشت، زن شاغل با خنده می‌گوید "چون خودش معلمه توقع دارم حداقل به تکلیف بچه برسه ولی اصلا اهل این کارها نیست... طوری رفتار می‌کنه که بچه سمت پدرش نمی‌ره و سمت من می‌یاد که کلی کار توی خونه دارم... اینم ترفندشه." تناقض‌های تربیتی: زوج شماره هشت، زن شاغل می‌گوید "کار من یه جوریه که تو بعضی ماه‌ها پیک کاری داریم، تو اون وقتا به‌خصوص اسفند یا شهریور باید صبح زود برم اداره تا غروب، همسرمن معمولا شیفتر عصر می‌ره مدرسه... مجبور می‌شم ظهر به بعد بچه‌ها رو بذاریم پیش مادرشوهر یا خواهر شوهرم، شیوه تربیتی اونا کاملا برعکس ماست انقد به بچه رو می‌دن که بعدش کسی جلودارش نیست... تموم رفتارهای بد اونجا رو یاد گرفتن. وقتی پیش خودمن همه چی رو کنترل می‌کنم ولی وقتی پیشم نیستن نمی‌دونم چی یاد می‌گیرن..."

مثالث‌سازی با فرزندان با توجه به شرایط شغلی: زوج شماره نه، مرد شاغل می‌گوید "بین من و... (همسر) مشکلی که پیش می‌یاد، هر دو تا پسر طرف مادرشونو میگیرن، منم واقعیت همش حرص می‌خورم و خون خونمو می‌خوره که چرا باید اینجوری باشه... چون نظامیم بیشتر روزها خونه نیستم، بچه‌ها بهش وابسته شدن."

درون مایه فرعی شماره سه فرزند پروری مخاطره‌آمیز: گاهی سبک فرزند پروری زوج‌های شاغل متعارض علاوه بر کارکردهای منفی، مخاطراتی را برای خود آنان و فرزندان‌شان در پی دارد. نمونه‌ای از این مخاطرات در اظهارات زوجین آمده است.

استرس‌های والدگری-نگرانی در محل کار برای فرزندان: زوج شماره پنج، زن شاغل می‌گوید "بچه‌هام خیلی شیطون و بازیگوشن... پارسال تابستون خواهرزاده‌ام شیش سالشه، خواهرم خونه نبود تو خونه‌شون دوچرخه‌سواری می‌کرد افتاد زمین و ضربه مغزی شد، توی مغازه که یادم می‌افته نگران تکرار شدنش تو خونه خودمونم..."

کاهش آستانه تحمل والدین در مقابل خطاها: زوج شماره چهار، زن شاغل می‌گوید "وقتی خسته و کوفته از شیفتر بیمارستان می‌يام خونه، تحمل کوچکترین سر و صدا و نافرمانی بچه‌ها رو هم ندارم... عصبی می‌شم و می‌زنمشون." مراقبت افراطی از فرزندان-جبران: زوج شماره هفت، زن شاغل می‌گوید "صبحا ساعت شیش بیدار می‌شم واسه صبحونه‌شون

ساندویچ می‌ذارم فکر می‌کنم اینا که گناهی نکردن نباید به‌خاطر کار کردن واسشون کم بذارم... همه کار می‌کنم براشون، حتی اون کاری که وظیفه منم نیست. "فرزندان در محیط کاری والدین: زوج شماره دو، زن شاغل می‌گوید "مجبور بودم ببرمش یخبندان بود، مهدشون تعطیل بود، منم مجبور بودم برم مدرسه. سر کلاس گریه می‌کرد، نظم کلاسو بهم ریخته بود... همکارها و رئیس مدرسه هم به جوری نگام می‌کردن... خودشم خسته و کلافه شده بود دلم براش سوخت..."

درون مایه فرعی شماره چهار فرزندآوری به مثابه تهدید: اغلب زوجین شاغل متعارض، ترس‌های مشهودی را در زمینه ورود فرزندان به خانواده و افزایش تعداد آن‌ها گزارش کردند، گاهی این ترس حتی شکل هراس به خود می‌گرفت. این زوجین در مصاحبه‌های خود عنوان می‌کردند که ورود فرزند یا افزایش آن‌ها می‌تواند مانعی بر حفظ و ارتقای شغلیشان باشد. محدودیت در تعداد فرزندان: زوج شماره سه، زن شاغل می‌گوید "توی این سبک زندگی بیشتر فشارها روی زنه که

باید دو شیفت کار کنه اگه بخوای بچه دومی هم داشته باشی توی ذهنت دوباره می‌یاد که همون مشکلات از نو برمی‌گردن... برای خود من سخته که بچه دوم باشه -با مکث- نمیدونم البته شاید من حساس باشم. "هراس بچه: زوج شماره چهار، مرد شاغل می‌گوید "دقیقا می‌تونیم این سبک زندگی رو به دو بخش تقسیم کنیم؛ دوره اول تا وقتی بچه‌ها به دنیا نیومدن، دوره دوم هم وقتی بچه‌ها به دنیا می‌یان. وقتی بچه‌ها به دنیا می‌یان اون چیزهایی که مزیت این نوع زندگيه تبدیل می‌شه به محدودیت... محدودیت‌ها با تولد بچه شروع می‌شه."

بحث و نتیجه‌گیری

عملکرد خانواده به‌وسیله اشتغال همزمان زوج، دستخوش تغییراتی می‌شود و مشکلات خاصی را برای زوجین و خانواده به وجود می‌آورد. از ابعادی که عملکرد خانواده زوج‌های شاغل را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بعد فرزندان است. مطالعه کیفی حاضر با روش پدیدارشناسی تفسیری به بررسی تجارب زیسته زوج‌های شاغل از بعد فرزندان در عملکرد خانواده پرداخت. تحلیل تجارب زیسته زوج‌های مشارکت‌کننده، منجر به شناسایی دو درون مایه اصلی یک عملکرد سالم با درون مایه‌های فرعی کارکردهای مثبت برای فرزندان، فرزند پروری تعاملی و فرزند پروری ماهرانه و دو عملکرد ناسالم با درون مایه‌های فرعی کارکردهای منفی برای فرزندان، فرزند پروری تقابلی، فرزند پروری مخاطره آمیز و فرزندآوری شد.

از زمان شکل‌گیری سبک زندگی زوج شاغل این سوال همواره مطرح بوده است که آیا این‌گونه زوجها با وجود اشتغال همزمان قادر هستند در ارتباط با فرزندان خود به گونه‌ای رفتار کنند که آن‌ها کمتر آسیب ببینند. در درون مایه عملکرد سالم، اولین درون مایه فرعی؛ کارکردهای مثبت برای فرزندان بود. بنا به تجارب زیسته زوجین شاغل دارای رضایت زناشویی، اشتغال همزمان زوج نه تنها آسیب‌رسان نیست بلکه می‌تواند با مدیریت و برنامه‌ریزی زوجی، پیامدهای مثبتی برای فرزندان در پی داشته باشد. نتایج به دست آمده مبنی بر دستاوردهای مثبت اشتغال همزمان والدین برای فرزندان در این درون مایه با مطالعات مختلف در زمینه مستقل‌تر شدن، [۲۵] مسوولیت‌پذیری، [۲۶] اعتماد به نفس، [۲۵] تحریک برای تلاش بیشتر، [۲۶ و ۲۷] بهبود روحیه همکاری، [۲۶] برآورده کردن نیازهای مالی، [۲۷، ۲۸، ۲۹ و ۳۰] و بهبود روابط اجتماعی [۱۹ و ۳۱] فرزندان والدین شاغل همسو بود. حضور همیشگی یکی از والدین خانواده‌های سنتی یا تک شاغل در کنار فرزندان می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی فرزندان شده و همین امر می‌تواند پذیرش مسوولیت، اعتماد به نفس و سازگاری اجتماعی آنان را با افت مواجه کند. در مقابل، حضور نداشتن والدین شاغل در خانه، باوجود برخی تاثیرات منفی که قابل انکار نیستند، زمینه را برای استقلال، مسوولیت‌پذیری، اعتماد به نفس و تلاش بیشتر فرزندان فراهم می‌کند. والدین شاغل اعتماد به نفس و سازگاری اجتماعی را که از طریق اشتغال کسب کرده‌اند، به فرزندانشان منتقل کرده و آنان را از نظر رشد ویژگی‌های مثبت فردی و اجتماعی در سطح بالاتری قرار می‌دهند. از طرف دیگر، فرزندان زوجین شاغل وقتی تحرک، تلاش و روحیه همکاری والدین خود را می‌بینند، ترغیب می‌شوند تا در روند زندگی خود همین ویژگی‌ها را تکرار کنند. همچنین فرزندان این نوع خانواده‌ها به سبب حضور زود هنگام در مهدها و موسسات مشابه و به جهت ارتباط با سایر همسالان و آموزش‌های خاص، روابط گسترده‌تری با دیگران برقرار کرده و از نظر مهارت‌های اجتماعی وضعیت مناسب‌تری را به نمایش می‌گذارند. رفاه اقتصادی و کاهش دغدغه‌های مالی در این نوع خانواده‌ها به سبب هر دو شاغل بودن زوجین، مزیت مثبت دیگری است که

هم به توافق برسند و همانند یک تیم کارآمد عمل کنند. این زوجها باید در تمام جنبه‌های فرزند پروری همانند آموزش، شیوه‌های تربیتی، تغذیه و ارتباطات اجتماعی، از یکدیگر حمایت کرده و به فرزند پروری به مثابه یک کارگروهی بنگرند. [۳]

سومین درون مایه فرعی در عملکرد سالم، فرزند پروری ماهرانه بود. در این درون مایه زوجین شاغل ماهر، راهکارها و مهارت‌های خود را برای فرزند پروری مطرح کردند. تجارب مطرح شده توسط زوجین شاغل در این پژوهش با یافته‌های حاصل از مطالعات مختلف در زمینه بهره‌گیری از مراقب، استفاده از حمایت خانواده‌های اصلی در فرزند پروری، [۱۰، ۱۹، ۳۲ و ۳۳] مراقبت کیفی به جای مراقبت کمی و اختصاص زمان برای فرزندان، [۱۰] مقابله با احساس گناه مادرانه [۳۲] همسو بود. یکی از مهارت‌های ذکر شده توسط زوجین شاغل در مطالعه حاضر، اختصاص زمان برای فرزندان بود. در نظریه‌های تحولی، زمان به عنوان منبع یا ابزار ارزشمندی است که والدین آن را در فرزندانشان سرمایه گذاری می‌کنند. البته نه فقط کمیت زمانی بلکه چگونگی و کیفیت ارتباط والدین و فرزند نیز مهم است. زمانی را که والدین با فرزندان خود می‌گذرانند باید همراه با توجه و مسوولیت پذیری باشد [۲۸] که این امر در تجارب زیسته زوجین شاغل دارای رضایت گزارش شد. به عبارت دیگر هر چند زوج‌های شاغل دارای رضایت، زمان کمتری را صرف فرزندان می‌کنند، اما این مدت از نظر کیفی هدفدارتر و جدی‌تر است. در هر حال مراقبت از فرزند چیزی نیست که در حد فعالیت جانبی تنزل داده شود. زمان با ارزش و دارای کیفیت، ارتباطی با مدت زمانی که زوجین با فرزندشان هستند ندارد بلکه در مراقبت کیفی تاکید بر چگونگی گذراندن این اوقات دارد.

زوج‌های شاغل متعارض نیز در اولین درون مایه فرعی عملکرد ناسالم، به کارکردهای منفی اشتغال همزمان برای فرزندان اشاره کردند. بیان کارکردهای منفی برای فرزندان زوج‌های شاغل در این پژوهش با پژوهش‌های مشابه در این زمینه که به اثرات منفی مانند محدودیت زمانی برای فرزندان، [۱۸ و ۱۹] سوتغذیه فرزندان، [۱۹، ۲۰ و ۲۲] آسیب‌های جسمانی و روان‌شناختی، [۱۹ و ۲۰] آسیب‌های اجتماعی، [۱۹ و ۲۲] عدم رسیدگی به امور فرزندان و تکالیف تحصیلی [۱۹] و باج‌دهی به فرزندان [۱۹] همسو بود. وظایف مربوط به نقش همسری و نقش والدینی همراه با ساعات طولانی اشتغال زوجین شاغل در بیرون از منزل، موجب تنیدگی‌های جسمانی، روان‌شناختی و احساس خستگی شده و این امر سبب‌ساز احساس گناه و نگرانی درباره ترک فرزند و چگونگی مراقبت از فرزند در غیاب آنان می‌شود. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند اشتغال همزمان زوجین، بهداشت روانی اعضای خانواده را کاهش داده و موجب بروز مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود. [۲۰] به نظر می‌رسد زوجین شاغل متعارض، زمان کمتری به نظارت بر

می‌تواند نیازهای مالی فرزندان را کاهش داده و حتی برای آینده آن‌ها نتایج مثبتی در برداشته باشد به گونه‌ای که می‌تواند در صورت عدم تامین منابع مالی توسط فرزندان، سرمایه مالی لازم را برای آتیه شخصی و شغلی آن‌ها فراهم کند. به طور کلی اشتغال همزمان زوج، در آنان احساس هویت و وضعیت روانی مثبتی به وجود آورده و موجب می‌شود از احساس ارزشمندی، سلامت و نشاط روانی بالایی برخوردار باشند که این حالت پیامدهای مثبتی را برای فرزندان در پی دارد.

دومین درون مایه فرعی در عملکرد سالم، فرزند پروری تعاملی بود. در این نوع فرزند پروری، زن و شوهر شاغل در فرزند پروری به صورت تعاملی با هم مشارکت می‌کنند. نقش پدر در زوجین شاغل دارای رضایت برای فرزند پروری به همان اندازه که نقش مادر اهمیت داشت، مهم بود. پدر در این خانواده‌ها فقط یک تامین کننده مالی برای خانواده نبود و در همه امور مربوط به فرزندان با مادر شاغل در تعامل بود. در تایید نتایج به دست آمده، یافته‌های بیانچی ۲۰۰۰ نشان داد در دهه‌های اخیر، پدران نسبت به گذشته مشارکت بیشتری در تربیت و پرورش کودکان به خصوص در مورد کودکان در سنین پایین‌تر دارند. نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که از اواسط دهه ۱۹۶۰ که زوج‌های شاغل شکل گرفته‌اند در آمریکا زمانی را که پدران صرف نگهداری فرزندان در زمینه‌های حمام کردن، غذا دادن و... می‌کنند، سه برابر شده است. [۱۸] تعامل متقابل زوجین شاغل در امور مربوط به فرزندان نه تنها، روی فرزندان اثر مثبت داشته بلکه خشنودی حاصل از این تعامل می‌تواند رضایت زناشویی این نوع زوجین را نیز ارتقا دهد. تیواری ۲۰۱۶ در این زمینه معتقد است زوج‌های شاغل باید سبک‌ها و انتظارات فرزند پروری خود را با همسرشان در میان گذاشته و روی شیوه‌های فرزند پرورششان با

فعالیت‌های روزانه فرزندان اختصاص می‌دهند و کمبود حضور در خانه و عدم مدیریت و برنامه‌ریزی، زمینه را برای بروز بیشتر کارکردهای منفی فراهم می‌کند. خستگی‌های روان‌شناختی ناشی از اشتغال همزمان زوج در خارج از منزل، گاهی سبب رفتار غیردوستانه و سختگیری افراطی والدین می‌شود و گاهی هم زوج شاغل می‌کوشند تا ساعات نبودن خود را با جابجایی دادن به فرزندان خود جبران کنند که این روند افراط و تفریط در رفتار با فرزندان، بر تربیت آنان خدشه وارد می‌کند. همچنین اشتغال مادر در این نوع خانواده‌ها ممکن است نقش و جایگاه پدر را برای فرزندان پسر مخدوش کند. فرزندان پسر چون می‌توانند بخشی از نیازهای مالی خود را از طریق مادر برطرف کنند، ممکن است نقش پدر را در خانه نادیده بگیرند و از کمک‌ها و راهنمایی‌های وی خود را بی‌نیاز بدانند و به مرور زمان، پدر در انزوای قرار گیرد. در مورد دختران نیز حضور کم مادر در خانه، نقش وی را به‌عنوان الگوی فرزندان دختر، کم‌رنگ می‌سازد.

دومین درون‌مایه فرعی در عملکرد ناسالم، فرزند‌پروری تقابلی بود. در این نوع فرزند‌پروری، زن و شوهر شاغل در تقابل با هم بودند و این امر فضای نامساعدی را جهت رشد فرزندان به‌وجود آورده بود. گاهی شرایط تنش‌زا در زندگی و محل کار بر تعامل میان والدین و فرزندان اثرگذار بوده و زمینه‌ساز تنش میان زوج شاغل در فرزند‌پروری شده است. دانش‌تاین و همکاران (۱۹۹۵) معتقدند که اگر مرد نسبت به شغل زن، نگرش منفی داشته باشد و در نگهداری از فرزندان همکاری نکنند، اثرات مثبت اشتغال نیز از بین می‌رود. [۴۲] این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های [۱۹، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶ و ۳۷] که عدم همکاری و تقابل والدین را عاملی سو در فرزند‌پروری می‌دانند همسو است. شیوه فرزند‌پروری ناهماهنگ و متناقض می‌تواند فرزندان را دچار تضاد کرده و ضمن ایجاد بستری برای سوءاستفاده فرزندان از والدین، زمینه را برای تعارضات میان زوج فراهم کند.

فرزند‌پروری مخاطره‌آمیز، درون‌مایه فرعی دیگری بود که در عملکرد ناسالم از طرف زوجین شاغل متعارض روایت شد. در غیاب والدین در محیط خانه، فرزندان دچار مخاطره شده و در چنین فضایی باید به تنهایی از گذرگاه‌های زندگی و بحران‌های مخاطره‌آمیز خانواده خویش عبور کنند. یکی از مفاهیم استخراج در این درون‌مایه فرعی، استرس والدگری بود. منظور از استرس والدگری نوعی از استرس است که توسط والدین تجربه می‌شود و ناشی از مقتضیات والدگری است و در اکثر مواقع رابطه‌ای بسیار نزدیک با اختلال در کارکردهای والدینی دارد. [۴۳] نتایج پژوهش نیس و همکاران [۴۴] از رابطه متقابل استرس والدگری و مشکلات رفتاری کودکان حمایت می‌کند. همه والدین در ایفای نقش والدگری خود، سطحی از استرس را تجربه می‌کنند [۴۵] ولی بنا به تجارب زیسته گزارش شده در مطالعه حاضر، استرس والدگری در

مورد زوج‌های شاغل که ساعات زیادی را خارج از خانه و دور از فرزندان می‌گذرانند، شدت بیشتری دارد. در تایید این موضوع، الگوی زیست بومی بروئر و سی‌سای [۴۶] تنیدگی‌های روانی ناشی از فشار کار مضاعف بر زوجین شاغل به‌خصوص مادر را عامل اصلی کاهش سلامت جسمانی و هیجانی آن‌ها می‌داند. چنین والدینی قادر نیستند با فرزندان به گونه‌ای گسترده و مناسب تعامل داشته باشند و این امر زمینه را برای بروز مخاطرات پیش روی فرزندان فراهم می‌کند. آخرین مضمون فرعی استخراج شده در مصاحبه‌های زوجین شاغل متعارض، فرزندآوری بود. این امر هم در مورد ورود فرزند جدید و هم درباره افزایش تعداد فرزندان صدق می‌کند. زوج‌های شاغل از یک‌سو با پیش‌بینی میزان ساعات کار اضافی که در صورت فرزندآوری به آن‌ها تحمیل می‌شود و از سوی دیگر با پیش‌بینی این که بخش عمده‌ای از کار خانه یا اضافه شدن بر تعداد فرزندان بر دوش آن‌ها می‌افتد، ممکن است ترجیح دهند فرزند دیگری به خانواده اضافه نشود. [۱۰] ترکیب کارهای خانه با اشتغال همزمان زوجین در خارج از خانه سبب می‌شود فشار مضاعفی به این نوع زوجین وارد شود که این امر می‌تواند تمایل به فرزندآوری آن‌ها را کاهش دهد. [۴۷] در زمینه هراس فرزندآوری در زنان شاغل، نتایج پژوهش اسحاقی و همکاران [۱۰] نشان داد زنان شاغل با چالش‌های درون‌شغلی و برون‌شغلی در زمینه فرزندآوری مواجه‌اند که کنش‌های آن‌ها را به سمت کم‌فرزندگی به مثابه سبک زندگی سوق می‌دهد. درخواست‌های مضاعف کاری و خانوادگی به همراه کاهش حمایت‌های خانوادگی از زوج‌های شاغل جهت نگهداری فرزندان، این نوع زوجین را به اتخاذ راهبردهایی نظیر تأخیر در فرزندآوری، کاهش تعداد فرزندان و فاصله‌گذاری زیاد بین تولد فرزندان

مطالعه نیز اشاره شد، اشتغال همزمان والدین می‌تواند به مثابه شمشیری دولبه برای فرزندان، جنبه‌های مثبت و منفی در بر داشته باشد. در این بین آنچه جنبه‌های مثبت را پررنگتر می‌کند، تعامل والدین شاغل، درک متقابل و تسلط آن‌ها بر مهارت‌های فرزند پروری است.

محدودیت‌ها: با توجه به این که مطالعه حاضر یکی از اولین پژوهش‌های کیفی بعد از فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شاغل بود، کمبود منابع نظری و پژوهشی پیرامون موضوع مورد مطالعه از جمله محدودیت‌هایی بود که مقایسه نتایج به‌دست آمده را دشوار می‌کرد. محدودیت بعدی، تمرکز بر یک منطقه جغرافیایی خاص بود، هر چند تلاش شد تا با تنوع سن، نوع شغل، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و... این محدودیت کمرنگتر شود اما پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر برای فاصله‌گیری از قیود فرهنگی در سایر مناطق جغرافیایی نیز اجرا شود.

پیشنهادهای: یافته‌های حاصل از این مطالعه کیفی با شناسایی عوامل مثبت و منفی موثر بر بعد فرزندان در عملکرد خانواده زوج‌های شاغل می‌تواند زمینه را برای تدوین برنامه‌ها و بسته‌های آموزشی جهت کاهش عوارض آسیب‌های فرزند پروری این نوع سبک زندگی مهیا کند. از طرف دیگر مهارت‌های والدینی برای زوج‌های شاغل به معنی تمام مدت کنار فرزند بودن و کناره‌گیری از شغل نیست، بلکه به معنای برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی مناسب برای استفاده از فرصت‌های موجود و پیشگیری از خطرات متنوعی است که فرزندان آنان را تهدید می‌کند. پیشنهاد می‌شود یافته‌های این مطالعه کیفی توسط مددکاران اجتماعی، مشاوران و روانپزشکانی که با زوج‌های شاغل سر و کار دارند، جهت پیشگیری و آموزش مورد استفاده قرار گیرد. انجام پژوهش‌های مشابه با مطالعه حاضر می‌تواند اثر نگرش پژوهشگران را در جهت‌دهی به مصاحبه‌های انجام گرفته و تحلیل داده‌ها مشخص نموده و نتایج قابل اطمینانتری به بار آورد. همچنین پژوهش حاضر در بخش کیفی، فقط تجارب زیسته والدین شاغل را در مورد فرزندان مرور کرد، اما نتایج نشان داد علاوه بر والدین، گروه فرزندان نیز در معرض آسیب‌ها و چالش‌های برآمده از این نوع سبک زندگی هستند. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علوم خانواده، تجارب زیسته فرزندان خانواده‌های دوشغله را نیز مرور کرده و از آن طریق، سبک زندگی این گونه خانواده‌ها را از دریچه چشم فرزندان نیز بنگرند.

سپاسگزاری: بدین وسیله از تمام زوج‌های شاغلی که در انجام این پژوهش ما را یاری نموده و صادقانه و خالصانه تجارب زیسته خود را پیرامون موضوع مورد مطالعه با ما در میان گذاشتند، قدردانی می‌نمایم.

ترغیب می‌کند زیرا افزایش تعداد فرزندان و کم بودن سن آنان، مسوولیت مراقبت از فرزندان را برای زوج شاغل سنگینتر می‌کند. به نظر می‌رسد یکی دیگر از عوامل موثر بر کاهش تمایل زنان شاغل به فرزندآوری این است که نقش مادری در نزد تعداد زیادی از زنان شاغل، تنها و بهترین نقش زنان تلقی نمی‌شود. به عبارت دقیقتر، انگیزه مادر شدن همانند دوران گذشته برای زنان شاغل پر رنگ نیست. نتایج حاصله در این درون مایه فرعی با یافته‌های [۱۰ و ۱۳] همسو است. نتایج به‌دست آمده در این درون مایه فرعی با پژوهش‌های حاجی زاده بنده قرا و همکاران [۱۱] و حجازی [۱۲] که نشان دادند تمایل به فرزندآوری در زنان شاغل، دو برابر زنان خانه‌دار بود، ناهمسو بود. در مورد علت ناهمخوان بودن نتایج حاصله با پژوهش‌های ذکر شده، حجازی [۲۰۱۳] در مطالعه خود، تمایل زوجین شاغل برای فرزند پروری را تابع رتبه شغلی و متغیرهای فرهنگی آنان دانسته و بنا به اذعان خود زوجین، آن‌ها فرزند دوم را برای تنها نبودن فرزند اول می‌خواستند. [۱۲] از این رو ممکن است تفاوت رتبه شغلی و متغیرهای فرهنگی میان آزمودنی‌های پژوهش حاضر با مطالعات ذکر شده، سبب‌ساز این ناهم‌سویی نتایج بوده باشد. همچنین زوج‌های شاغل در صورت داشتن امکانات اقتصادی و مزایای اجتماعی بیشتر و تسهیلات قانونی، تمایلشان برای فرزندآوری بیشتر می‌شود که در حال حاضر کمبود یا فقدان این شرایط برای زوجین و به‌ویژه زنان شاغل در ایران، عامل بازدارنده مهمی برای فرزندان آوری زوج‌های شاغل است. در نهایت می‌توان گفت بدون تردید یکی از ابعاد عملکرد خانواده که در اثر اشتغال همزمان زن و شوهر تحت تاثیر قرار می‌گیرد، بعد فرزندان است. چوی [۴۸] در مطالعه خود نشان داد، استرس‌زاترین نقش در زندگی زوجین شاغل، مراقبت از فرزندان است. همان‌طور که در این

References:

1. Adams BN. Families and family study in international perspective. *Journal of Marriage and Family*. 2004 Dec;66(5):1076-88.
2. Arthur MB, Parker P. Giving voice to the dual-career couple. *British Journal of Guidance & Counseling*. 2004 Feb 1;32(1):3-23.
3. Tiwari, A. (2016). Dual career couples and their work life balance. *International Journal of Human Resource & Industrial Research*, 2016; 3(3), 49-55.
4. Rantanen K, Eriksson K, Nieminen P. Social competence in children with epilepsy-a review. *Epilepsy & Behavior*. 2012 Jul 1;24(3):295-303.
5. Joseph S, Inbanathan A. A sociological review of marital quality among working couples in bangalore city. *Institute for Social and Economic Change*; 2016.
6. Kalliath P, Kalliath T, Singh V. When work intersects family: A qualitative exploration of the experiences of dual earner couples in India. *South Asian Journal of Management*. 2011 Jan 1;18(1):37-59.
7. Abele AE. Dual-career couples: Specific challenges for work-life integration. In *creating balance?* Springer, Berlin, Heidelberg. Volmer J, 2011 (pp. 173-189).
8. Anwar J, Hasnu SA, Janjua SY. Work-life balance: What organizations should do to create balance? *World Applied Sciences Journal*. 2013;24(10):1348-54.
9. Nazari A. Principles of couple therapy and family therapy. 2017; Tehran: Nashr Elm. [Persian].
10. Eshaghi M, Mohebi S, Papynezhad S, Jahandar Z. Childbearing challenges for working women; A qualitative study. *Women in Development & Politics*, 2014; 12(1): 111-134. [Persian].
11. Hajizadeh Bandeghara, F., Jannesari, S., Ozgoli, G., Nasiri, M. Positive effect of woman's empowerment on childbearing: More children in working woman. *The Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 2016; 19(37): 51-61. [Persian].
12. Hejazi SN. Women's attitude to having second child and factors effecting on it. *Journal of Health System Research*. 2013 Oct. 7 [cited 2019 Dec. 6];9(7):771-8. [Persian].
13. Kaur G, Kumar R. Organisational work pressure rings a "time-out" alarm for children: A dual-career couple's study. *Asian Journal of Management Research*. 2014;4(3):583-96.
14. Sudarshan RM, Bhattacharya S. Through the magnifying glass: Women's work and labour force participation in urban Delhi. *Economic and Political Weekly*. 2009 Nov 28:59-66.
15. Madhavi C, Vimala B. A study on work related stress and work family issues experienced by women software professionals in Chennai. *Third International Conference on Information and Financial Engineering (IPEDR)* 2011 (Vol. 12).
16. Bradbury TN, Fincham FD, Beach SR. Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of Marriage and Family*. 2000 Nov;62(4):964-80.
17. Bradbury TN, Karney BR. Longitudinal study of marital interaction and dysfunction: Review and analysis. *Clinical Psychology Review*. 1993 Jan 1;13(1):15-27.
18. Bianchi SM. Maternal employment and time with children: Dramatic change or surprising continuity? *Demography*. 2000 Nov 1;37(4):401-14.
19. Heidari, A., Dehghani, H. The qualitative assessment of married women Teachers's family- work conflict and its management in Delvar city. *Journal of Applied Sociology*, 2016; 27(3): 15-40. [Persian].
20. Aflatoonian B, Alam M, Purnajib TM, Mohamadzadeh M. Evaluation and comparison of behavior problems of seven to nine-year-old children based on working mothers and housewives in Kerman. *Journal of Health and Development*. 2014;3(2):94-104. [Persian].
21. Brown JE, Broom DH, Nicholson JM, Bittman M. Do working mothers raise couch potato kids? Maternal employment and children's lifestyle behaviours and weight in early childhood. *Social Science & Medicine*. 2010 Jun 1;70(11):1816-24.
22. Craig L, Bittman M. The incremental time costs of children: An analysis of children's impact on adult time use in Australia. *Feminist Economics*. 2008 Apr 1;14(2):59-88.
23. Singh T, Singh A, Singh P. Relationship of stress and job satisfaction: A comparative study of male & female of dual career teacher couples of India. *IIM Bangalore Research Paper*. 2007 Jul 30(263).
24. Henry J, Parthasarathy R. The family and work connect: A case for relationship-focused family life

- education. *Indian Journal of Occupational and Environmental Medicine*. 2010 Jan;14(1):13.
25. Hoffman LW. The effects of the mother's employment on the family and the child. *Parenthood in America*. In proceedings of the conference held in Madison, Wisconsin, in 1998 Apr (pp. 19-21).
26. Taghavi, N., Mohammadi, Gh. The study of women's employment outside the home on family relationships. *Iranian Journal of Social Sciences Studies*, 2014; 11(3): 1-16. [Persian].
27. Babaei Fard, A. The study of effects of women's employment on family and social relationships among women working in Aran & Bidgol. *Women in Development & Politics*, 2013; 11(3): 427-451. [Persian].
28. Huston AC, Rosenkrantz Aronson S. Mothers' time with infant and time in employment as predictors of mother-child relationships and children's early development. *Child Development*. 2005 Mar;76(2):467-82.
29. McWayne CM, Owsianik M, Green LE, Fantuzzo JW. Parenting behaviors and preschool children's social and emotional skills: A question of the consequential validity of traditional parenting constructs for low-income African Americans. *Early Childhood Research Quarterly*. 2008 Apr 1;23(2):173-92.
30. Jackson AP, Bentler PM, Franke TM. Employment and parenting among current and former welfare recipients. *Journal of Social Service Research*. 2007 Feb 20;33(2):13-25.
31. Huston, A. C. Sex typing. In P. H. Mussen & E. M. Hetherington (Eds.), *Handbook of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development* (4th ed.). New York: Wiley. 1983.
32. Ahmadi Faraz M, Abedi HA, Azarbarzin M. The experiences of employed women related to their maternal role: A phenomenological qualitative research. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences* 2014; 3(2): 137-48. [Persian].
33. Kardavani, R. Mothers' experiences of childcare policy in Iran: A phenomenological study. *Women in Development & Politics*, 2019; 17(1): 121-145. [Persian].
34. Conger RD, Conger KJ, Elder GH, Lorenz FO, Simons RL, Whitbeck LB. Family economic stress and adjustment of early adolescent girls. *Developmental Psychology*. 1993 Mar;29(2):206.
35. Kitzmann KM. Effects of marital conflict on subsequent triadic family interactions and parenting. *Developmental Psychology*. 2000 Jan;36(1):3.
36. Tein JY, Sandler IN, Zautra AJ. Stressful life events, psychological distress, coping, and parenting of divorced mothers: A longitudinal study. *Journal of Family Psychology*. 2000 Mar;14(1):27.
37. Fosco GM, Grych JH. Adolescent triangulation into parental conflicts: Longitudinal implications for appraisals and adolescent-parent relations. *Journal of Marriage and Family*. 2010 Apr;72(2):254-66.
38. Morgan DL, Ataie J, Carder P, Hoffman K. Introducing dyadic interviews as a method for collecting qualitative data. *Qualitative Health Research*. 2013 Sep;23(9):1276-84.
39. Seidman I. *Interviewing as qualitative research: A guide for researchers in education and the social sciences*. Teachers College Press; 2006.
40. Diekelmann NL, Allen D, Tanner CA. The NLN criteria for appraisal of baccalaureate programs: A critical hermeneutic analysis. New York: National League for Nursing; 1989.
41. Guba EG, Lincoln YS. *Fourth generation evaluation*. Sage; 1989.
42. Dennerstein, L., Astbury, J. & Morrow, M. "Teaching women health", The Eleventh Commonwealth Health Ministers Meeting, 7- 11, December 1995, Cape Town, South Africa.
43. Ostberg M, Hagekull B. A structural modeling approach to the understanding of parenting stress. *Journal of Clinical Child Psychology*. 2000 Nov 1;29(4):615-25.
44. Neece CL, Green SA, Baker BL. Parenting stress and child behavior problems: A transactional relationship across time. *American Journal on Intellectual and Developmental Disabilities*. 2012 Jan;117(1):48-66.
45. Creasey GL, Jarvis PA. Relationships between parenting stress and developmental functioning among two-year-olds. *Infant Behavior and Development*. 1994 Oct 1;17(4):423-9.
46. Daniel SS, Grzywacz JG, Leerkes E, Tucker J, Han WJ. Nonstandard maternal work schedules during infancy: Implications for children's early behavior problems. *Infant Behavior and Development*. 2009 Apr 1;32(2):195-207.
47. McGinnity F, Russell H. *Gender inequalities in time use the distribution of caring, housework and employment among women and men in Ireland*. Dublin: The Equality Authority; 2008.
48. Choi JH. Family stress, coping strategy, and job satisfaction in dual-earner couples-comparison of husband and wife in dual-earner couples. *Journal of the Korean Home Economics Association*. 2005;43(10):55-68.